

## حکمت

حضرت علی (ع)

نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳۹۰



وقت هر انسان مؤمن سه قسمت است: ۱- یک وقت و ساعتی که برای مناجات و دعا و عبادت است ۲- یک وقت و ساعتی که برای کسب معاش و درآمد است ۳- یک وقت و ساعتی که برای تفریح و استفاده از لذت‌های حلال است و انسان عاقل جز در این سه مورد، وقت نمی‌گذراند یا کسب معاش یا قدم نهادن برای معاد و آخرت یا لذت بردن در غیر حرام.

## یادداشت

تساوی و تشابه حقوق زن و مرد در اسلام از دیدگاه شهید مطهری

## عدالت به معنای مساوات نیست!



عدالت به معنی قرار گرفتن هر چیز در جای خود است. با چنین معنایی می‌توان دریافت عدالت لزوماً به معنای برابری نیست! وقتی بنا باشد هر چیزی را در جایگاه خودش قرار دهیم، گاهی در تضاد با برابری قرار می‌گیریم. این مسأله‌ای است که در نگاه اسلام در حوزه حقوق زن و مرد وجود دارد. یعنی در واقع همچنان که در آفرینش زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد، به همان نسبت از حقوق متفاوتی هم برخوردارند. حقوق متفاوتی که البته با اصل عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه خودش همخوانی دارد.

از نگاه استاد شهید مرتضی مطهری تفاوت‌های موجود در آفرینش و طبیعت زن و مرد باعث می‌شود که زن و مرد از جهت حقوق طبیعی و فطری وضع ناهمگونی داشته باشند. بر این اساس زن از آن جهت که زن است و مرد نیز از آن جهت که مرد است با هم تفاوت‌هایی دارند و آفرینش و طبیعت آنان یکنواخت نیست. این در حالی است که هم زن و هم مرد در انسانیت خلقت واحدی دارند و از ارزش یکسانی برخوردارند اما از جهت مسائل حقوقی، وظایف، تکالیف، مجازات‌ها و... وضع مشابهی ندارند چرا که خلقت مشابهی ندارند.

بنابراین برخلاف نگاه غربی که تلاش می‌کند تا از برابری حقوق زن و مرد صحبت کند و با این شعار برابری حقوق زن و مرد توانسته کلاه گشادی را بر سر زنان بگذارد آنها را از خانه بیرون کشیده و برای اهداف نظام لیبرالی خود نیروی کار ارزان قیمت دست و پا کند. اسلام با صراحت تمام تاکید دارد زن و مرد از حقوق یکسانی برخوردار نیستند و این عین عدالت است!

وضع قوانین، مقررات، حقوق و وظایف، یکسان و همانند در واقع نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی و غربی زن و مرد است و نمی‌تواند نیازهای آنها را پوشش دهد. استاد مطهری، تساوی حقوق زن و مرد را حقیقتی مسلم دانسته است اما تشابه و همانندی را نادرست و غیرممکن شمرده است. با توجه به ساختار آفرینشی زن و مرد و ویژگی‌ها و نیازهای جسمی و روحی آنان، حقوق مشابه، نه ممکن و نه سزاوار است. در مقابل این باید زن حقوق متناسب با خود را به دست آورد و مرد هم حقوق متناسب با خود را و در حدودی که طبیعت زن و مرد تفاوت داشته و اقتضا می‌کند حقوق آنان نیز تفاوت داشته باشد.

این مسأله با عدالت و حقوق فطری نه فقط منافاتی ندارد، بلکه کاملاً بر آن منطبق است. زیرا زن و مرد با توانایی‌ها و نیازهای متفاوت متناسب با خلقت‌شان در عرصه اجتماعی، خانواده و... ظاهر می‌شوند، بنابراین با بر مبنای همین تفاوت‌هاست که حقوق هر یک مشخص می‌شود. سرپیچی از این قانونمندی سبب ظلم به زن یا مرد می‌شود. با نادیده گرفتن تفاوت طبیعی و چشم بر واقعیت بستن به حق انسانی تجاوز می‌شود؛ حتی اگر با شعارهای فریبنده‌ای چون حقوق مشابه زن و مرد باشد.

## کتابی برای بهبود تعاملات و حل مشکلات خانواده‌ها

## خانواده درمانی

ترکیب دو بعد مهربان یا پذیرنده و کنترل کننده می‌توان به چهار سبک «والد بودن» رسید که هر کدام از آنها با نتیجه رشدی خاص برای کودک همراه هستند.

والدین مقتدر: والدین مقتدر، کسانی هستند که نگرش (مهربان یا پذیرنده) کودک محور همراه با کنترل متوسط را پذیرفته‌اند. آنها متناسب با سن فرزندان به ایشان مسئولیت می‌دهند و برای رسیدن فرزندان به حداکثر سطح رشد لازم برای دستیابی به یک فردیت مطمئن و مستقل، ساختار لازم را فراهم می‌آورند.

والدینی که از سبک اقتدار استفاده می‌کنند، به فرزندان خود می‌آموزند درگیری و اختلاف با در نظر گرفتن نقطه نظر فرد دیگر و در چارچوب گفت‌وگو، به طور مؤثرتری حل خواهد شد. این رشته از مهارت‌ها، به رفتار مؤثر حل مشکل مشترک می‌انجامد و بعدها به امکان ایجاد روابط خوب با گروه همسال ختم می‌شود و در نتیجه به ایجاد یک شبکه حمایت اجتماعی خوب می‌انجامد.

والدین مستبد: فرزندان والدین مستبد که طردکننده و کنترل کننده‌اند، به بزرگسالانی خجول تبدیل می‌شوند که علاقه‌ای به شروع ارتباط ندارند. سبک خاص انضباطی والدین مستبد به فرزندان می‌آموزد اطاعت بی چون و چرا بهترین راه برای کنار آمدن با تفاوت‌های بین فردی و حل مشکلات است.

والدین آسان گیر: فرزندان والدین آسان گیر که مهربان و پذیرنده، اما فاقد انضباط هستند، در سال‌های بعدی زندگی نمی‌توانند از برنامه خاصی در زندگی پیروی کنند و کنترل ضعیف و پرتکانه‌ای را به نمایش می‌گذارند. والدین بی توجه: والدین بی توجه هم طردکننده و هم کم توقع هستند

و فرزندان ایشان یعنی فرزندان که محبت یا پذیرش ناچیزی را از جانب والدین خود تجربه کرده‌اند و هم‌زمان انضباط سخت یا کم و نظارت ناهماهنگ والدین در مورد آنان اعمال شده است، در سال‌های بعد مشکلات سازگاری را نشان می‌دهند که نیاز به مداخلات خانواده درمانی را در پی خواهد داشت.



خانواده درمانی یکی از گرایش‌های علم روان‌شناسی است که به طور ویژه به مشکلات زیستی، روحی و اجتماعی خانواده‌ها می‌پردازد. خانواده درمانی در واقع کوششی است برای درک تعاملات خانواده و بررسی مشکلاتی که در روند پویایی یک خانواده اختلال ایجاد می‌کند. یک خانواده درمانگر با بررسی شرایط درونی و بیرونی مراجعین به آنها کمک می‌کند تا چالش‌ها و بحران‌های موجود را حل کنند و در شرایطی سالم به رشد و تعالی دست یابند.

در یک جامعه خانواده محور، داشتن ابزار اولیه تأثیرگذاری بر سیستم خانواده‌ها و اصلاح مکانیسم‌های معیوب، از نیازهای قطعی به شمار می‌رود. ابزارهایی نظیر متون راهنما (کتاب، مجله، جزوه...)، مؤسسات پژوهشی خانواده، کانون‌های آموزش خانواده درمانی و مراکز خانواده درمانی.

بر این اساس اشرف سادات موسوی در کتاب خانواده درمانی شرح مفصلی از روش‌های کاربردی خانواده درمانی را عمدتاً با رویکردی سیستمیک مورد بررسی قرار داده است.

روش‌های تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد، دکترای روان‌شناسی بالینی، مشاوره و نیز آموزش دستیاران روان‌پزشکی، نشان داده که باید به خانواده درمانی در کشور توجه بیشتری معطوف شود. بنابراین در ویرایش جدید این کتاب تلاش شده برای تدریس خانواده درمانی به صورت نظری و عملی چارچوبی در نظر گرفته شود و ارائه مطالب سودمند و مورد نیاز مراکز آموزشی در آن قرار گیرد. فصل‌های مختلف این کتاب نیز طی سال‌ها تجربه مولف به صورت دست‌چینی از مطالب مورد نیاز، ترجمه و تدوین شده‌اند.

کتاب خانواده درمانی علاوه بر این که می‌تواند برای

دانشجویان و پژوهشگران حوزه روان‌شناسی خانواده مفید باشد به خانواده‌هایی که برای حل معضلات تربیتی و ارتباطی خود به منبعی معتبر نیاز دارند، مناسب خواهد بود.

در کتاب خانواده درمانی درباره انواع والدین و نوع تربیت‌شان تاکید شده که بازنگری متون فراوان درباره «والد بودن» نشان می‌دهد با